

۱۶۲۳۱
۱۷۰۳۷

عدم تحریف قرآن

(قسمت سوم)

جمه‌وی / ۲۷ شهریور ۸۶

اثری از آیت الله العظمی فاضل لنکرانی

مترجم : استاد مرتضی واعظی اراکی

و مقدس بغدادی در شرح وافیه بعد از رد زیاده در قرآن چنین فرموده است : « تنها کلام در نقیصه در قرآن است و معروف بین اصحاب ما که حتی بر آن اجماع ادعا شده است عدم نقص است » و از او نیز نقل شده است که شیخ علی بن عبدالعالی در زمینه عدم نقص قرآن رساله جداگانه ای نگاشته است و سپس کلام مرحوم صدوق را نقل کرده و بر روایاتی که بر نقص قرآن دلالت دارد اعتراض کرده و فرموده است : وقتی حدیثی برخلاف دلیل کتاب و سنت متواتر یا اجماع وارد شد و تاویل آن ممکن نبود . باید آن را کنار گذاشت ۱۳.

و این قول نیز از علامه جلیل مرحوم شهشانی در بحث قرآن از کتاب « العروه الوثقی » نقل شده و این مطلب را به تمام مجتهدان نسبت داده است ۱۴.

و از محدث شهید مرحوم فیض کاشانی در کتاب وافی و علم الیقین نیز این مطلب نقل شده است ۱۵.
و عالم کامل مرحوم شیخ محمد جواد بلاغی در مقدمه تفسیر آلا الرحمن نیز به این موضوع تصریح فرموده است.

خلاصه آنکه جایی برای شک نیست که مشهور بین علما امامیه بلکه باید گفت که علما و همه شیعه اتفاق بر این موضوع دارند که تحریفی در قرآن صورت نگرفته است بلکه این قول منحصر به بعض اخباری ها است که ظاهر روایاتی را که دلالت بر تحریف دارد دیده و به اشتباه افتاده اند و ما در بحث های آینده از استدلال به آنها جواب خواهیم داد. با این حالت مجوزی برای نسبت دادن قول به تحریف به طائفه محقه شیعه وجود ندارد و نمی توان آن را به عنوان نقطه ضعف و ایراد بر شیعه وارد کرد کاری که بعض مفسران اهل سنت و غیر آن کرده اند.
بد نیست در اینجا بعض عبارات آنان را نقل کنیم تا معلوم شود که چگونه بر مرکب سرکش تعصب سوار شده و تاخته اند و ابتلا طائفه حقه شیعه به امثال اینگونه افتراءات دروغ و نسبت های ناروا و باطل روشن شود.

آلوسی در مقدمه تفسیر « روح المعانی » چنین می گوید : « شیعه گمان کرده اند که عثمان بلکه ابابکر و عمر نیز قرآن را تحریف کرده اند و بسیاری از آیات و سوره های آن را حذف کرده اند از میان راویان آنها « شیعه » کلینی از هشام بن سالم و او از امام صادق (ع) نقل کرده است که قرآنی که جبرئیل بر پیامبر آورد هفت هزار آیه بوده است .
و محمد بن نصر از امام صادق (ع) نقل کرده است که در سوره « بینه » نام هفتاد نفر از قبیله قریش و نام پدران آنها بوده است .

و از سالم بن عقبه روایت شده است که گفت : شخصی نزد امام صادق قرآن می خواند و من می شنیدم در آنچه او خواند کلماتی از قرآن بود که غیر از آن چیزی بود که در قرآن دسترس مردم موجود است پس امام صادق (ع) به او گفت : دستت از این نوع قرآن خواندن بردار و همانطور که مردم می خوانند بخوان وقتی که قائم قیام و ظهور کرد آنوقت کتاب خدا را همانطور که هست بخوان .

و روایت کرده از محمد بن جحیم هلالی و غیر او از امام صادق (ع) که گفت : آیه « ان تکون امه هی اربی من امه » ۱۶ کلام خداوند نیست بلکه تحریف شده است و اصل آن چنین بوده است : « ائمه هی ازکی من ائمتکم . »
و ابن شهر آشوب مازندرانی در کتاب « المثالب » گفته است که : سوره ولایت کلا ساقط شده و همین طور بیشتر آیات سوره احزاب زیرا سوره احزاب همانند سوره انعام مفصل و طولانی بوده است لکن فضائل اهل بیت را از آن ساقط کرده اند . و همین طور در آیه « لاتحزن ان الله معنا » ۱۷ قبل از کلمه « ویلک » بوده است و حذف کرده اند . و بعد از آیه « وقفوهم انهم مسئولون » ۱۸ کلمه « عن ولایه علی » بوده است و آن را حذف کرده اند و دنبال آیه « وكفی الله المومنین القتال » ۱۹ جمله « بعلى بن ابی طالب » بوده است و حذف کرده اند و بعد از آیه « و سیعلم الذین ظلموا » ۲۰ کلمه « آل محمد » بوده و حذف کرده اند و غیر از اینها .

بنابراین قرآنی که امروز در شرق و غرب دنیا در دست مسلمانان است و بمنزله مرکز و قطب دایره و کره اسلام و احکام آن است نزد اینان تحریف شده تر از تورات و انجیل است و اباطیل موجود در آن از تورات و انجیل بیشتر است و برای همه پرواضح است که این قول از خانه عنکبوت که سست ترین خانه هاست سست تر است و گمان نمی کنم که کسی در حماقت مدعی چنین قولی شک کند و وقتی بعضی علما شیعه فهمیدند و دریافتند که حرف

باطلی است آن را نسبت به بعضی داده اند. »

سپس سخن طبری در مقدمه مجمع البیان را نقل کرده است که مشتمل بر نقل کلام سید مرتضی است که قبلا نقل شد و مرحوم سید این قول را به گروهی از حشویه عامه نسبت داده بود سپس گفته است :

داعی بر این کلام ظهور فساد مذهب اوست حتی برای اطفال سپس انتساب این قول به حشویه را انکار کرده است و گفته عامه اجماع دارند بر عدم وقوع نقص در آنچه به عنوان قرآن بین الدفتین امروز موجود است .

سپس می گوید : بلی در زمان ابوبکر آنچه از قرآن متواتر نبوده است و یا تلاوت آن نسخ شده بوده و افرادی که آگاهی بر نسخ نداشته اند آن را قرائت می کرده و توجه به آنچه در جمع آوری اخیر قرآن تحقق پیدا کرد نداشته اند و کوشش در این زمینه صورت نگرفته حذف شده است بلی در زمان عثمان این امر بر همگان واضح شده و لذا نسبت به او می دهند.

همچنانچه روایت شده است از حمیده بنت یونس اینکه : در مصحف عائشه چنین بوده است : « ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما و علی الذین یصلون الصفوف الاول » و این مطلب قبل از آن بوده است که عثمان قرآن را تغییر بدهد ۲۱.

همینطور احمد حنبل روایت کرده است از ابی که گفت : رسول خدا به من فرمود : همانا خداوند به من فرمان داده است که قرآن را بر تو بخوانم سپس در چنین خواند : « لم یکن الذین کفروا من اهل الکتاب و المشرکین منفکین حتی تاتیهم البینه رسول من الله یتلوا صحفا مطهره و ما تفرق الذین اتوا الکتاب الا من بعد ما جاتهم البینه »

۲۲ ان الذین عند الله الحنفیه غیر المشرکه و لالیهودیه و لالنصرانیه و من یفعل ذلک فلن یکفره ...

و در روایت دیگر چنین آمده است : « و من یعمل صالحا فلن یکفره و ما اختلف الذین اتوا الکتاب الا من بعدما جاتهم البینه ان الذین کفروا و صدوا عن سبیل الله و فارقوا الکتاب لما جاهم اولئک عند الله شر البریه ما کان الناس الا امه واحده ثم ارسل الله النبیین مبشرین و منذرین یا مروون الناس یتقون الصلاه و یوتون الزکاه و یعبدون الله وحده اولئک عند الله خیر البریه جزاؤهم عند ربهم جنات عدن تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ابدا رضی الله عنهم و رضوا عنه ذلک لمن خشی ربه » ۲۳

و در روایت حاکم آمده است که چنین خواند: « لو ان ابن آدم سال وادیا من مال فاعطاه یسال ثانیاً ولو سال ثانیاً

فاعطاه یسال ثالثاً ولا یملا جوف ابن آدم الا التراب ویتوب الله علی من تاب ... » ۲۴

و نیز روایت شده است از او که در مصحف خود در سوره « خلع » و « حقد » را نوشت: « اللهم اننا نستعینک ونستغفرک ونثنی علیک ولا نکفرک ونخلع ونترک من یفجرک اللهم ایاک نعبد ولک نصلی ونسجد والیک نسعی ونحقد نرجو رجیمتک ونخشی عذابک ان عذابک بالکفار ملحق » ۲۵ بنابراین آنچه از تغییر و تحریف در قرآن ادعا می کنند از این قبیل است و مثل این زیاد است .

و به همین معنی حمل می شود آنچه ابو عبید از ابن عمر نقل کرده است که گفت: هیچ یک از شما نگریند من همه قرآن را اخذ کرده ام زیرا چه می داند که همه قرآن چیست به تحقیق که قسمت زیادی از قرآن از دست رفته است بلکه بگوید از قرآن گرفتم ۲۶.

سپس می نویسد: روایات در این باب بیشتر از آن است که احصا شود الا اینکه این روایات حمل می شود بر

آنچه ما گفتیم و این حمل کجا و آنچه شیعه جسور می گوید کجا ۲۷

تا اینجا آنچه در صدد نقل کلام آلوسی بودیم تمام شد خداوند او را محشور کند البته نه با اجدادش بلکه با کسی که او را دوست داشت و ولایت او را پذیرفت .

و شما خواننده عزیز به اشکالاتی که در قول این نویسنده است خبیر و آگاهید.

اولاً: می دانیم که مشهور نزد علما امامیه بلکه مورد اتفاق آنها قول به عدم تحریف قرآن است بلکه دانستید که صدوق این قول را از عقائد امامیه بر شمرده است . و کاشف الغطا در مساله بطلان قول به تحریف ادعای ضرورت و بداهت کرده است و با توجه به این مطلب وجهی برای افترا بر علمای شیعه باقی نمی ماند و نسبت این قول سخیف به طائفه محقه شیعه با تکیه بر ظهور شهرت قول به تحریف و یا تمایل کلینی و بعضی دیگر از محدثین مثل شیخ کلینی یعنی علی بن ابراهیم قمی صاحب تفسیر به قول به تحریف مجوز نسبت آن به جمیع یا مشهور آنها نمی شود با توجه به اینکه منشا نسبت به کلینی و استاد او ذکر اخبار ظاهر در تحریف است و بدیهی است که نقل خبر دلالت بر آن ندارد که ناقل محتوای آن را پذیرفته باشد زیرا پذیرفتن بعد از اعتبار خبر است اولاً و ظهور در مطلب

ثانیا و سوم آنکه معارض در بین نباشد و در نهایت روایت در زمینه مربوط حجیت داشته باشد و تحقق این مطلب نزد ناقل غیر واضح است .

و اما ثانیاً : اینکه آلوسی قول به تحریف نزد حشویه از عامه را انکار کرده است نیز درست نیست زیرا هم آنها هستند که قائل به حجیت ظواهر قرآن می باشند اگر چه خلاف عقل صریح باشد و از این جهت قائل به جسمیت خداوند شده اند و شاید شهرت آنها به حشویه هم از این جهت باشد ۲۸.

پاورقی :

۱۳. رک به تفسیر آلا الرحمن ۱۶۵.
۱۴. رک به بیان : ۲۰۰.
۱۵. علم الیقین ۵۶۳ - ۱ - ۵۶۹.
۱۶. سوره نحل آیه ۹۲.
۱۷. سوره توبه آیه ۴۰.
۱۸. سوره صفات آیه ۲۴.
۱۹. سوره احزاب آیه ۲۵.
۲۰. سوره شعرا آیه ۲۲۷.
۲۱. مصاحف سجستانی ۲۱۱ شماره ۲۳۶.
۲۲. سوره بینه آیه ۱ - ۴.
۲۳. الدر المنثور ۵۳۶ - ۸ - ۵۳۷.
۲۴. مستدرک حاکم ۲۲۴۴ ۲ حدیث ۲۸۱۹.
۲۵. کتاب الدعای طبرانی : ۲۳۸.
۲۶. الاتقان فی علوم القرآن : ۲۲۶ - ۱.
۲۷. روح المعانی ۱۳۲ - ۳۵.
۲۸. موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم : ۱۶۷۸.